



هنری کسینجر، وزیر پیشین امور خارجه امریکا در دولت های ریچارد نیکسون و جerald فورد، که یکی از کارگشته ترین سیاستمداران آمریکائی بشمار می رود، به بهانه چاپ تازه اش بنام "نظم جهانی" در گفتگویی با رادیو NPR، ایران را خطرناکتر از داعش توصیف کرده و مدعی شده است که رژیم استبداد جمهوری نوقاجاری در پی زنده سازی امپراتوری گذشته ایران می باشد. [1]

کسینجر در کتاب خود با اشاره به اینکه مرزهای آسیای غربی(خاورمیانه [2]) پس از جنگ اول جهانی دچار تغییرات اساسی

شده اند می نویسد: "نوعی کمربند شیعی از تهران از بغداد تا بیروت به وجود آمده است. و این به ایران فرصت می دهد تا امپراتوری ایران باستان (شاهنشاهی هخامنشی) را بازسازی کند - [ولی] این بار با برچسب شیعه."

او در بزرگنمایی رژیمی که غربیان بویژه بریتانیا و آمریکایی در سال ۱۹۷۸ در ایران بقدرت رساندند^[3] تا ایران را به چنین روزگار سیاه و تباهی بنشانند، می افزاید: "از نظر ژئواستراتژیک، من ایران را مشکلی بزرگتر از داعش می دانم. داعش گروهی از ماجراجویان با ایدئولوژی بسیار تهاجمی است. آنان باید بر سرزمین های بیشتر و بیشتری چیره شوند تا بتوانند به یک واقعیت ژئواستراتژیک و همیشگی تبدیل شوند. من فکر میکنم درگیری با داعش - هر چند مهم است - [ولی] قابل کنترلتر از رویارویی با ایران است."

باری، ایراد چنین ادعاهایی از سوی کسینجر و باد در بادکنک سوراخ رژیم انداختن، با اهداف دیگری بر زبان آورده شده اند.

اشک تمساح کسینجر و غربیان

وینستون چرچیل به سیاستمداران انگلیسی سفارش می کرد که "یک سیاستمدار کاردان، نخست بایستی شاگرد خوب تاریخ

باشد" و کسینجر که یک آلمانی تبار-کلیمی است را بایستی یکی از بهترین شاگردان علم تاریخ بشمار آورد، بویژه آنکه کارشناس مسائل ایران بوده و با خلق و خوی ایرانیان آشنایی کامل دارد. در نتیجه او بخوبی آگاه است اگر ایرانی فرصتی پیدا کند، بار دیگر برای خود شاهنشاهی های دیگری را بپا خواهد ساخت؛ همانگونه که تاکنون بیش از هفت امپراتوری^{[[4]]} را در طی ۲۷۰۰ سال گذشته بپا ساخته است، که در تاریخ جهان هیچ کشور دیگری توان انجام چنین کاری را بجز ایرانی نداشته است. نیز بهترین نمونه برای اثبات این مساله، دو شاهنشاه پهلوی می باشند که توانستند در کمتر از ۵۰ سال، ایران از یک کشور عقب مانده که هر بخشی از آن بیگانه ای بر آن چیرگی داشت را به یک کشور نیمه توسعه یافته صنعتی با اقتصادی نیرومند که ریال آن یکی از ۱۶ واحد پولی در جهان شده بود مبدل سازند و ایرانیان که اکثریت نزدیک به کل آنان بی سواد و بیمار بود را به ملتی نیمه متجدد که بالای ۸۵٪ دارای سواد بودند را تبدیل سازند.

باری، کسینجر غیرمستقیم اذعان می دارد که، "غریبان با علم و آشنایی بر تاریخ و گذشته ایرانیان - ایران و ایرانی را دشمن و رقیبی نیرومند برای خود بشمار می برند و بخوبی می دانند که ایرانیان توان آن را دارند که بار دیگر با تکیه بر هویت و پیشینه فرهنگی و تاریخی خود، سیمرخ گونه از خاکستر سر بلند کرده و امپراتوری نیرومندی همانند گذشته بپا سازند، که در اینصورت مصالح و منافع آنان را نه تنها در خاورمیانه، بلکه در آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی و شمال آفریقا نیز بخطر خواهد افتاد،" و بدان علت هم بود که غریبان نظام شاهنشاهی را در ایران در طی یک انقلاب مهندسی شده در سال ۵۷ سرنگون ساختند تا از زنده سازی ایران باستان و امپراتوری شدنش جلوگیری نمایند.

ولی آن روی سکه رژیم جمهوری اسلامی دست نشانده بیگانگان است که بایستی گفت، سیمرخ که هیچ، بلکه مرغ خانگی هم بشمار نمی رود که بتواند یک امپراتوری را بپاسازد، بویژه آنکه حتی از داشتن یکی از "مواد اولیه" برای بپا سازی یک امپراتوری هم برخوردار نیست، از جمله:

الف - یک امپراتوری تنها بدست نخبگان (Elites) می تواند بپا شود، در حالیکه رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم ضد نخبه عوام حکومت یا غوغاسالاری) مذهبی-های او کلوکرات بدست که پروریست پخمه و شُکنخبه (Anti-Elitism)، زورمند/اوباش) اداره می شود؛

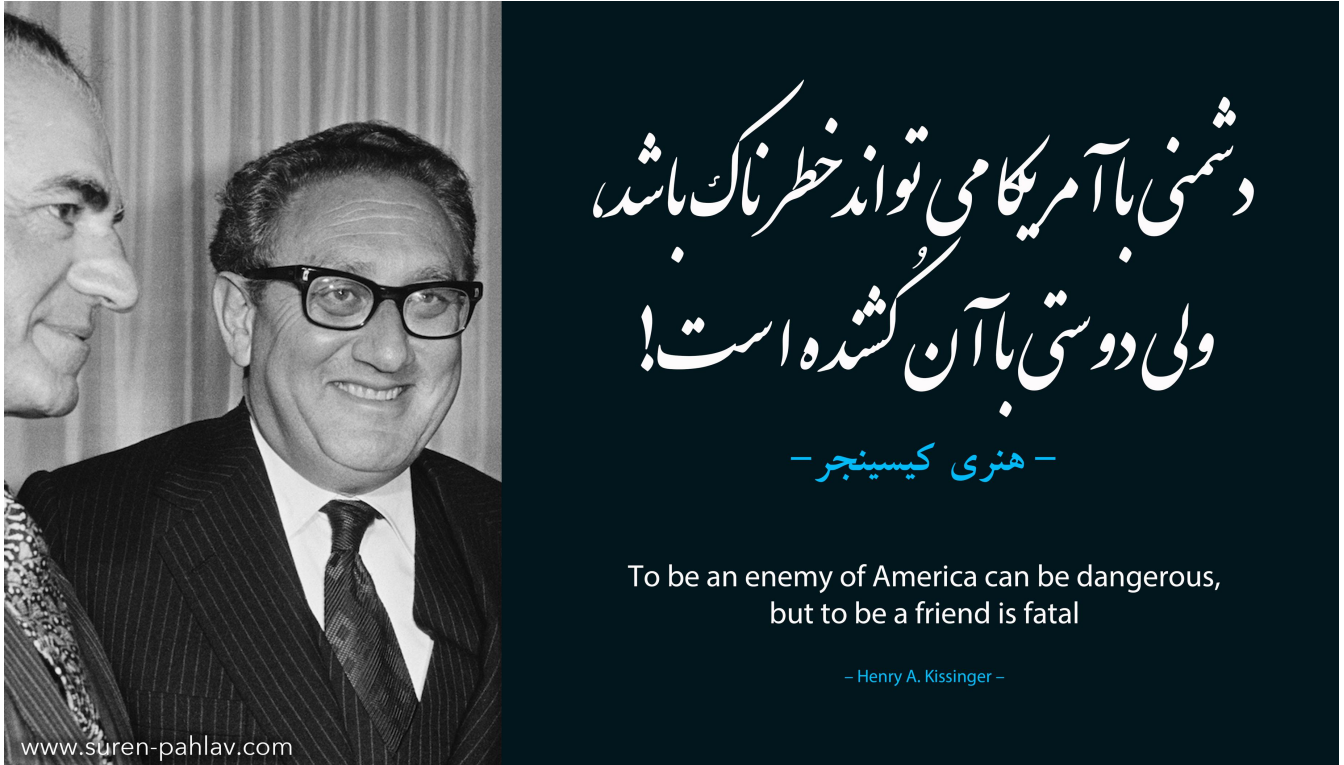
ب - همه امپراتوری ها در جهان بر روی اقتصادی نیرومند و سالم پیا می شوند، ولی جمهوری اسلامی آن چنان ناتوان و خوارمی باشد که آینده و بقایش بستگی به رفع تحریم های اعمال شده از سوی آمریکا دارد؛

پ - امپراتوری ها دارای ارتشی مدرن و پیشرفته و مطرح در سطح بالای جهانی می باشد همچون آمریکا باشد، این در حالیست که پیشرفته ترین جنگنده جمهوری اسلامی، جنگنده های اف-۱۴ آمریکایی ساخت دهه ۷۰ ترسایبی و تانک های روس و انگلیسی دهه ۶۰ ترسایبی می باشند و تنها توانش در مونتاز موشک های روسی و کره شمالی است.

ت - یک امپراتوری نیازمند به پشتیبانی بدون چون و چرای اکثریت یک ملت که بر آن حاکم است را دارد. ولی اکثریت ایرانیان بخاطر حاکمیت استبداد، ستمگری، خفقان و تبعیض های گوناگون بویژه علیه زنان، شدیداً ضد رژیم و خواهان سرنگونی اش می باشند؛

ث - : امپراتوری ها همیشه توان جلب و جذب مردمان کشورهای که قرار است بر آنان حکمروایی کند را دارند. زیرا که توان ارائه چیزهایی را دارند که نظام های حاکم بر آن کشورها توان ارائه دادنشان را ندارند، از جمله رفاه، آزادی، آسایش، امنیت، عدالت اجتماعی، برابری، ثروت و غیره. بنابراین، جمهوری اسلامی هیچ چیز دل انگیزی برای ارائه به مردم منطقه را ندارد که بخواهند بدان جلب شوند؛ که اگر می داشت، امروز شماری میان ۴ تا ۶ میلیون ایرانی آواره و پناهنده کشورهای گوناگون جهان وجود نداشت.

تئاتر روحوضی بنام "داعش ستیزی غریبان"



این تنها کیسینجر نیست که پس از سر بردن خبرنگار آمریکایی و گزارش خطر بازگشت تروریست های غربی عضو داعش به کشورهایشان، خواهان نابودی داعش شده است، بلکه همه سران کشورهای غربی بویژه باراک اوباما نیز در پی پیدا کردن راهی برای سرکوبی آنانند، بدون آنکه از بیخ و بُن ریشه کن شود. زیرا که غریبان ترجیح می دهند تا فرزند ناخلفشان^[5] همچنان "استخوان لای زخمی" در آسیای غربی انجام وظیفه کند.

در نتیجه، این داعش ستیزی و "اشک تمساح" غریبان بدان خاطر می باشد که "ماری که در آستین بزرگ نموده اند"، اکنون رو به خودسری گذارده و هراسمندانند که کنترل آن از دستانشان برون رود، که این مساله نه تنها می تواند تهدیدی برای امنیت شهروندانشان ایجاد کند، بلکه می تواند برای موجودیت اسرائیل در آینده خطر ساز شود. در نتیجه می توان بر آورد کرد که نخست داعش را در سوریه و عراق سرکوب ساخته و ته مانده اش را به افغانستان منتقل سازند.

افزون بر آن، اعلام چنین گفته‌هایی و پیوند دادن خلق و خوی تاریخی ایرانیان با رژیم جمهوری ایرانستیز و تازی‌گرای اسلامی حاکم بر ایران بدان خاطر نیست که نگران امپراتوری شدن ایران جمهوری زده باشد، بلکه چهار هدف اصلی و اساسی را دنبال می‌کند:

۱. ادامه و همسوسازی با سیاست "ایران-هراسی" کشورهای غربی و معطوف سازی افکار عمومی بر خطر رژیم بجای دفاع از مردم ایران و یاری سازی به آنان در سرنگونسازی رژیم؛

۲. مشروعیت بخشی به ادعاهای بیهوده و مضحکانه بنیامین نتانیاهاو و اسرائیل در باره خطرناک بودن ایران، بویژه آنکه سیاست‌های زیاده خواهانه اسرائیل به بقای جمهوری اسلامی متصل می‌باشد؛

۳. برانگیختن عربستان سعودی و ادامه تشنج بین دو همسایه و آتش زدن به یک جنگ نو در آسیای غربی تا هر گونه خطری از سر اسرائیل دور شود؛

۴. ایجاد نگرانی در بین کشورهای اهل تسنن منطقه بویژه پاکستان اتمی.

در هر روی، داعش و داعش (داعش شیعه) هر دو از فرآورده‌های غرب می‌باشند و هم اکنون موجودیت داعش است که تنها ایران را تهدید می‌نماید و هر روزی که از بقای آن می‌گذرد، ایران را یک گام به لبه نابودی که ایرانستان می‌باشد نزدیکتر می‌سازد.

شاپور سورنپهلو

روز رام از ماه شهریور سال ۳۷۵۴ بهدینی

۷ سپتامبر ۲۰۱۴ ترسای

بازبردها [منابع] و فرامودها [توضیحات]:

1 -

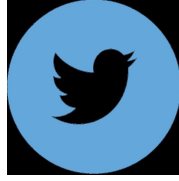
<https://www.npr.org/2014/09/06/346114326/henry-kissingers-thoughts-on-the-islamic-state-ukraine-and-world-order>

2 - خاورمیانه، واژه ای تحقیر آمیز بوده و درست ان " آسیای غربی " است. به نوشته این نگارنده تحت عنوان " خاورمیانه؛ نامی تحقیر آمیز ساخت غربیان و پیروی کورکورانه ما ایرانیان در بکاربری آن" مراجعه شود.

3 - سورنپهلو، شاپور " از توطئه تا انقلاب مهندسی شده ۵۷: چگونه بریتانیا، آمریکا و اسرائیل نظام شاهنشاهی را سرنگون ساختند؟

4 - شامل: مادها، هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان، سلجوقیان (سلاجقه با آنکه ترک-تبار بودند، ولی مبدل به ایرانی شده بودند تا بدانجایی که نه تنها زبان فارسی را زبان رسمی و درباری خود ساخته بودند، بلکه همه امور دولتی بدست ایرانیان، همچون نظام الملک و تاج الملک اداره می شد)، صفویان و افشاریان.

5 - سورنپهلو، شاپور " داعش، میوه □ مرگبار بنیادگرایی اسلامی، صهیونیسم و غرب"



#419ab3

□

